

بررسی تأثیر انفاق بر نابرابری درآمدها در ایران

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۰/۵ تاریخ تأیید: ۸۷/۴/۳۰

حسن سبحانی*
وحید مهربانی**

چکیده

مسئله توزیع درآمد و نابرابری‌های درآمدی حاصل از آن، از جمله موضوع‌های مورد مناقشه در بسیاری از جوامع بوده است؛ به گونه‌ای که حتی شدت یافتن حساسیت درباره این موضوع، سبب تغییر و تحول‌های مهم سیاسی و اجتماعی را شده است. در مقاله کوشیده شده است تا بر عامل انفاق که از مجموعه متغیرهای مؤثر بر نابرابری درآمدهاست تمرکز کرده و آن را مورد تحلیل قرار دهیم. نتیجه‌های حاصل بر اساس داده‌های دوره ۸۵ - ۱۳۶۳ در ایران نشان می‌دهند که انفاق عامل کاهش نابرابری درآمدها بوده و این اثر معنادار اما در عین حال کوچک است.

واژگان کلیدی: نابرابری درآمدی، توزیع درآمد، توزیع مجدد، انفاق.

طبقه‌بندی JEL: D31- D63 - Z12.

E-mail: Sobhani@majlis.ir

E-mail: Vmehrbani@gmail.com

* دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

** کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه تهران.

مقدمه

در اقتصاد همواره در کنار بحث تولید ملی و دغدغه‌های مربوط به میزان تولید و نرخ رشد آن، بحث درآمد ملی و نحوه توزیع آن میان افراد و خانوارها و نابرابری‌های موجود در آن مطرح است. در این میان به علت نوع ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، انحراف‌هایی در توزیع درآمد حاصل می‌شود که می‌تواند باعث بروز مشکل‌ها و عدم تعادل‌هایی در آن شود.

ضرورت توجه به این مسئله تا این حد است که به یاد آوریم در عصر جدید باور برابری‌خواهی (Egalitarianism)، انگیزه بسیاری از جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و دینی بوده است. به‌طور مثال در انقلاب فرانسه، سه شعار نام‌دار آن یعنی؛ «آزادی، برابری و برادری» بازتاب افراطی خود را در توطئه برابران (بابوفیسم (Babeufism)) یافت که پس از سرکوبی آن جنبش، میراث آن به سازمان‌های مخفی قرن نوزده رسید که خواهان برابری همگانی دستمزدها بودند و همین جنبش بابوفیسم بود که با برابری‌خواهی خود زمینه را برای اندیشه‌های سوسیالیستی و کمونیستی فراهم کرد (علیزاده، ۱۳۷۷: ۱۰۰).

موضوع نابرابری در توزیع درآمد در کشورهای توسعه‌نیافته در مقایسه با کشورهای پیشرفته از پیچیدگی و حساسیت بیشتری برخوردار است، زیرا در کشورهای توسعه‌نیافته مسئله عمده، رسیدن به میزان تولید و نرخ رشد بالاتر آن است و در نتیجه توجه کافی به مسئله توزیع درآمد و نابرابری‌های درآمدی اقشار گوناگون جامعه صورت نمی‌گیرد در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته چون حد بالایی در استفاده از ظرفیت‌های تولیدی تجربه شده است، به‌طور عمده به مسایل رفاه همگانی و تعدیل شکاف‌های درآمدی پرداخته می‌شود (ر.ک: راجرز و راجلین، ۱۳۷۰: ۴۵).

با این مقدمه و نظر به اهمیت و نقش عامل‌های غیراقتصادی در مقوله توزیع درآمد، در مقاله به بررسی تأثیر انفاق بر توزیع درآمد در ایران می‌پردازیم به این ترتیب که در بخش دوم، روش‌شناسی و فرضیه خود را معرفی می‌کنیم، در بخش سوم، مروری بر مطالعه‌های انجام شده درباره تأثیر عامل‌های گوناگون بر نابرابری درآمدها را خواهیم داشت. در بخش چهارم، ادبیات موضوع و در بخش پنجم، تحلیلی در باب انفاق در اسلام و تأثیر آن بر نابرابری را ارائه می‌کنیم. بخش ششم، نتیجه‌های برآورد معادله‌های رگرسیونی مربوطه را در بر می‌گیرد و پایان نتیجه‌گیری را ارائه می‌کند.

روش‌شناسی (Methodology) و فرضیه

در پژوهش، با استفاده از تحلیل‌های وصفی و ریاضی از روش استدلال قیاسی (Deductive-Reasoning) استفاده می‌شود. بدین معنا که جهت تحلیل اثرگذاری عامل انفاق (علت) بر نابرابری درآمدها (معلول) با استفاده از مفروض‌های معین، به صورت مقدمه؛ فرضیه‌ای ارائه می‌شود سپس از راه آزمون تجربی درباره رد یا عدم رد فرضیه، اظهارنظر می‌کنیم. فرضیه ما در مقاله به صورت ذیل است:

انفاق، نابرابری درآمدها را در ایران کاهش داده است.

مرور برخی از مطالعه‌های مرتبط

ابونوری (۱۳۷۶)، تأثیر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران را با استفاده از اطلاعات سال‌های ۷۰ - ۱۳۵۰ مورد بررسی قرار داد. وی تأثیر متغیرهایی مانند تورم، بهره‌وری نیروی کار، سهم درآمد شخصی از GNP، نسبت اشتغال (نسبت کل اشتغال به کل جمعیت نیروی کار)، پرداخت‌های انتقالی به هر خانوار و هزینه‌های دولت به ازای هر خانوار را بر ضریب جینی مطالعه کرد. نتیجه‌های این تحقیق نشان داد که تغییرهای نسبت اشتغال مؤثرترین عامل در تغییر سطح نابرابری در دوره پیش‌گفته بوده است به گونه‌ای که یک درصد افزایش در نسبت اشتغال در حدود ۳/۱ درصد از سطح نابرابری می‌کاهد.

نیلی و فرح‌بخش (۱۳۷۷) در مطالعه‌ای رابطه علی دوطرفه میان رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران را در دوره ۷۵-۱۳۴۷ بررسی کردند. درباره تأثیر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد، آنها به بررسی تأثیر عامل‌های مانند نرخ رشد درآمد سرانه، نرخ بیکاری، نرخ تورم (به صورت لگاریتمی) و متغیر مجازی مربوط به جنگ، بر ضریب جینی در جایگاه معیار نابرابری درآمدها پرداختند که نتیجه‌های آنها دلالت بر این داشت که رشد اقتصادی باعث بهبود توزیع درآمدها می‌شود، ضمن آنکه بیکاری و تورم وضعیت توزیع درآمدها را نامطلوب‌تر می‌سازند.

شهید اول (۱۳۸۲) به تحقیق درباره بررسی تأثیر تورم بر نابرابری درآمدها در ایران پرداخت. معیار وی برای تورم، متوسط تورم در پنج سال گذشته به صورت اول و دوم بود که به همراه مخارج جاری امور اجتماعی و میانگین متحرک سه‌ساله درآمد سرانه،

متغیرهای توضیحی مدل را تشکیل می‌دادند. برآورد تأثیر این عامل‌ها بر ضریب جینی هزینه خانوار در دوره ۷۹-۱۳۵۱ نشان داد که تورم در ابتدا رابطه‌ای معکوس با نابرابری درآمدها دارد و سپس این رابطه به رابطه‌ای مستقیم تبدیل می‌شود.

جفری جل (Geoffrey A Jehle, ۱۹۹۴)، با استفاده از داده‌های مربوط به دوره ۱۹۸۷-۱۹۸۸ به بررسی تأثیر زکات (که از انواع انفاق است) بر نابرابری در ایالت‌های پاکستان پرداخت. وی دو نوع توزیع درآمد را در نظر گرفت؛ یکی برای حالتی که زکات دریافت نمی‌شود و دیگری برای حالتی که زکات دریافت می‌شود. بر این اساس شاخص‌های نسبی «اتکینسون - کلم - سن (Atkinson-Kolm-Sen)» ساخته شدند تا مشخص شود که آیا زکات نابرابری درآمدی را کاهش داده است یا خیر؛ نتیجه‌ها نشان دادند که زکات توانسته است نابرابری را در درون ایالت‌ها و بین آنها کاهش دهد اما این تأثیر کوچک و ناچیز بوده است.

ادبیات موضوع

صدقه و کمک‌های خیرخواهانه حتی در ادبیات اقتصاد کلاسیک نیز مورد بحث بوده است. در بین اقتصاددانان کلاسیک، رابرت مالتوس در ارتباط با راه‌حل مبارزه با فقر و نابرابری، در برابر بحث صدقه و احسان موضع‌گیری می‌کند. وی هرگونه پرداخت پولی به صورت اعانه برای حل مسئله فقر را رد می‌کند و به شدت قانون کمک‌های اجباری را که از زمان ملکه الیزابت مقرر شده بود، مورد انتقاد قرار می‌داد زیرا کمک‌های خیریه، ثروتی پدید نمی‌آورند و وسیله امرار معاش هیچ فقیری نمی‌شود (ژید و ریست، ۱۳۷۰: ۱، ۲۰۸). در واقع، مالتوس خواهان لغو تدریجی مقررات مربوط به فقیران و مخالف هر نوع کمک رسمی و منظمی است که برای مردم بی‌بضاعت توقع و انتظار پدید آورد، اما (در عین حال) وی منکر اثرهای نیک کمک‌های پراکنده و اتفاقی که به موقع و مناسب انتخاب شده باشند، نیست (همان: ۲۰۸ و ۲۰۹).

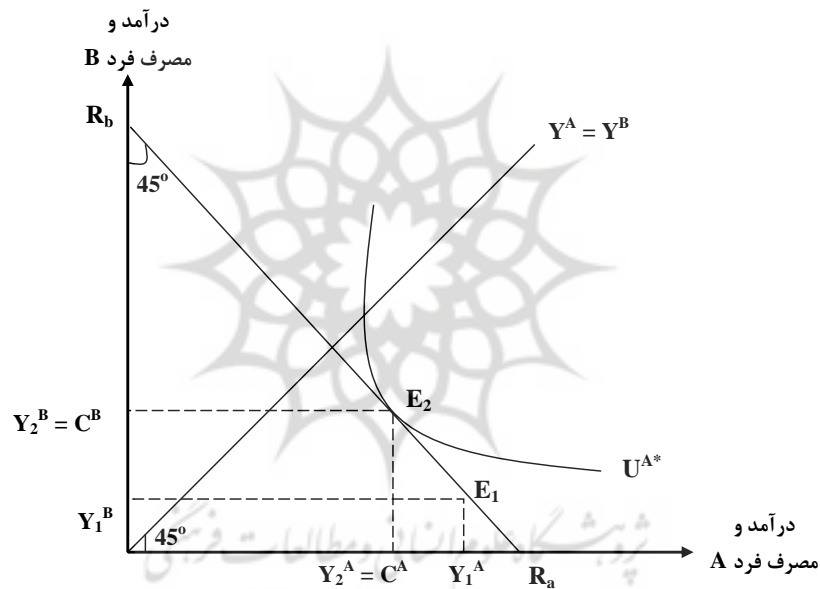
اما با وجود این دیدگاه مخالف، رابرت شوارتز (Robert Schwartz, ۱۹۷۰) کمک‌های نوع‌دوستانه شخصی را مورد تحلیل قرار داد، به گونه‌ای که این رفتار افراد را بر پایه پی‌جویی مطلوبیت شخصی استوار ساخت. در این تحلیل دو فرد A (فرد خیرخواه) و B

(فرد گیرنده کمک‌های خیرخواهانه) با توابع مطلوبیت ذیل وجود دارند:

$$U^A = U^A(C^A, C^B) \quad (1)$$

$$U^B = U^B(C^B) \quad (2)$$

که در رابط‌های پیش گفته، C^A و C^B به ترتیب کالاهای مصرف‌شده به وسیله دو فرد A و B است. در این تحلیل $\frac{\partial U^A}{\partial C^B} > 0$ است مگر در جایی که در آمد فرد B (y^B) بیش از درآمد فرد A (y^A) باشد. تحلیل رفتار حداکثرسازی مطلوبیت فرد A که یک شخص خیرخواه است، در شکل ذیل نمایش داده می‌شود:

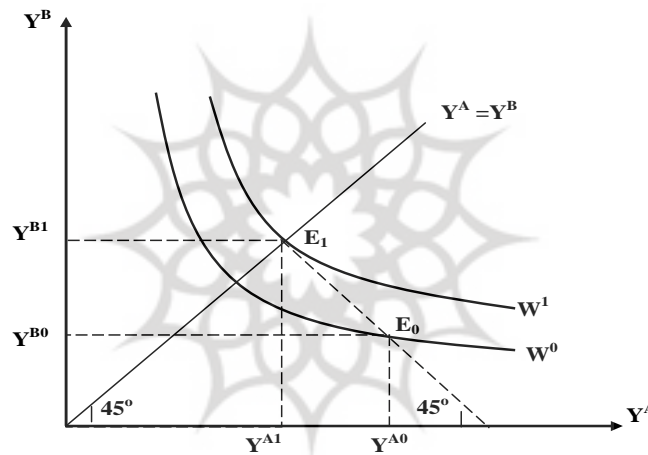


شکل ۱: بهینه‌یابی رفتار فرد خیرخواه

در شکل بالا، خط $R_a R_b$ قید بودجه یا منابع است. توزیع درآمد اولیه نیز در نقطه E_1 انجام می‌پذیرد اما فرد A به میزان $Y_1^A - C^A$ از درآمد خود را به فرد B اعطا می‌کند و میزان مصرف خود را به C^A می‌رساند. با این انتقال درآمد از فرد A به B، مصرف فرد B نیز به C^B می‌رسد و این مقادیرهای مصرف (C^A و C^B) حداکثرکننده مطلوبیت فرد A هستند؛ بنابراین بالاترین منحنی بی‌تفاوتی فرد A یعنی U^{A*} در نقطه E_2 بر قید بودجه مماس می‌شود.

ملاحظه می‌شود که بر مبنای حداکثرسازی مطلوبیت، می‌توان انفاق یک فرد را توضیح داد و این اقدام همان‌گونه که از شکل نیز پیداست نابرابری درآمدی را در نقطه E_0 نسبت به نقطه E_1 کاهش داده است.

در تحلیل دیگری، اتکینسون (Atkinson) انتقال درآمد از یک فرد ثروتمند به فرد فقیر را در قالب تغییرهای رفاه اجتماعی بررسی کرد. تابع‌های مطلوبیت دو فرد A و B به صورت $u^A = u^A(y^A)$ و $u^B = u^B(y^B)$ و قید امکانات درآمدی هم به صورت $\bar{y} = y^A + y^B$ بود که نشان‌دهنده آن است که درآمد جامعه ثابت و برابر با مجموع درآمد دو فرد است. در شکل ذیل اثرهای انتقال درآمد نشان داده می‌شود:



شکل ۲: اصل انتقال رفاه فریبگی

در شکل بالا، توزیع درآمد اولیه در E_0 است. به طوری که درآمد دو فرد y^{A0} و y^{B0} است. از آنجا که فرد A بر اثر این توزیع درآمد، پردرآمدتر از فرد B است، هر پرداخت انتقالی درآمدی از فرد A به فرد B رفاه را افزایش می‌دهد. این شرط به صورت اصل انتقال شناخته شده است و برای هر تابع رفاه یک شرط منطقی و مستدل به نظر می‌رسد (لیارد، ۱۳۷۷: ۵۷ و ۵۸).

بر این اساس، اگر فرد A بخشی از درآمد خود را به فرد B انتقال دهد به گونه‌ای که سرانجام درآمد دو فرد برابر شود و نقطه E_1 نشان‌گر توزیع درآمد نهایی باشد، هم نابرابری درآمدی کاهش یافته و هم رفاه اجتماعی افزایش می‌یابد که این افزایش به وسیله انتقال

منحنی رفاه یکسان (ISO Welfare curve) به w^0 در شکل ۲ نشان داده شده است. هر چند کار اتکینسون اشاره‌ای به عمل خیرخواهانه ندارد و لزوماً بیان‌کننده انفاق نیست، اما چنین موضوعی را در برمی‌گیرد و ما می‌توانیم از این تحلیل و نیز تحلیل رابرت شوارتز که ارائه شده، فضایی مناسب را برای تحلیل انفاق در ارتباط با نابرابری درآمدها شکل دهیم.

اسلام و نابرابری درآمدها

در اسلام وجود تفاوت بین انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در سوره زحرف آیه ۳۲ آمده است:

«أَهُمْ يُقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ».

در سوره نحل آیه ۷۱ نیز می‌خوانیم:

«وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ».

بر این اساس خداوند مسئله برتری برخی از انسان‌ها بر برخی دیگر و اختلاف در درجات (امکانات) آنها را به خود نسبت می‌دهد و در ظاهر این امر بیان‌گر اختلاف قابلیت‌ها و استعدادهای ذاتی در انسان‌هاست و به طبع آن از نظر اقتصادی بین آنها تفاوت روی می‌دهد که این تفاوت ضرورتی ذاتی است (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱۵۹) و به همین علت مجرای دیگری برای اختلاف درآمدها میان افراد گشوده می‌شود که البته این امر ضرورتی حیاتی در به‌کارگیری همه انسان‌ها در سطح‌های گوناگون برای کارهای متنوع و خدمات نابرابر است که نتیجه آن وجود تفاوت و نابرابری درآمدها است.

علل تعدیل درآمد و ثروت از نظر اسلام

هر چند که نابرابری درآمدها از دید اسلام امری طبیعی است، اما این بدان معنا نیست که اسلام انباشت درآمد، ثروت و بهره‌مندی از درآمدهای هنگفت به‌وسیله گروه اندکی از جمعیت (ثروتمندان) و نابرابری شدید و نامعقول درآمدها و ثروت‌ها را تأیید کند. علت بر این مدعا بخشی از آیه ۷ سوره حشر است:

«مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ...».

«آنچه خدا بر رسولش از اهل قریه‌ها برگردانید (اموال فیء) پس برای خدا، رسول، صاحب قرابت، یتیمان، مسکینان، در راه ماندگان است تا اینکه غنایم و درآمدها بین ثروتمندان شما محدود نشود».

در آیه پیش گفته، واژه «کی» به معنای «برای اینکه» در مقام بیان هدف است و از جمله «کی لَا يَكُونُ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» فهمیده می‌شود که چرخش مال فقط در دست ثروتمندان مطلوب نیست زیرا آیه پیش گفته نفی آن را به صورت هدف قرار داده است. یعنی هر جا که مالی فقط در میان ثروتمندان گردش کند مناسب نیست (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱: ۴۱۳).

در توضیح ادله نفی انحصار دارایی به وسیله عده‌ای کم با استناد به آیه‌های قرآن، می‌توان دریافت که در آیه «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره ۲)، (۳۰) خداوند تمام آنچه را که به صورت نعمت‌ها و موهبت‌ها بر روی زمین است، برای همه انسان‌ها و نه برای عده‌ای اندک خلق کرده است.

بنابراین معلوم می‌شود که اسلام ضمن قبول حدی از نابرابری درآمدی، به دنبال وضعیت مطلوبی از توزیع درآمد است که این وضعیت با توجه به معیارهای توزیع درآمد مشخص می‌شود که عبارت از مبادله و نیاز هستند.

بر اساس معیار مبادله، عایدی (درآمد) هر فرد متناسب با سهمش در تولید (پدیدآوردن درآمد و ثروت) است. در واقع این معیار، پاداش هر فرد را به میزان کوشش وی مرتبط می‌سازد و از آنجا که ممکن است این معیار لزوماً پوشش‌دهنده همه افراد جامعه نباشد (به‌طور مثال ناتوانان جسمی، از کارافتادگان، فقیران و ...) معیار نیاز هم مطرح می‌شود که بر طبق آن این امکان پدید می‌آید تا افرادی که امکان مشارکت در تولید ملی را ندارند، متناسب با نیاز خود برای امرار معاش، از درآمد ملی سهم ببرند. این افراد (نیازمندان) به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه تحت شامل معلولان، سالخورده‌گان، اطفال بی‌سرپرست و بیماران است که توانایی کسب درآمد را ندارند و گروه دوم شامل کسانی است که با وجود مشارکت در تولید و داشتن منبع درآمد، قادر به تأمین مخارج زندگی خود در حد کفایت نیستند (نظری و گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۲: ۱۱۳).

علت دیگری که برای لزوم تعدیل شکاف‌های درآمدی در دیدگاه اسلام مطرح می‌شود

این است که تمرکز حاد درآمد و ثروت در جامعه، تضادها و عقده‌ها را افزایش می‌دهد و روح برادری و اتحاد را از بین می‌برد. اما اسلام درصدد پدیدآوردن برادری، یگانگی و روح تعاون میان افراد جامعه اسلامی است و چنین چیزی جز با پدیدآوردن زندگی مطلوب برای همگان و کاهش شکاف‌های درآمدی محقق نمی‌شود (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱: ۴۱۲).

پس حتی اگر در جامعه نیازمندی نباشد، اسلام برای از بین بردن مفاسد اجتماعی و دینی مانند گسترش کارهای پست و شنیع در میان افراد کم‌درآمد و پدیدآمدن زمینه حرص، مال‌پرستی و غفلت از یاد خدا در میان افراد پردرآمد، کاهش تفاوت سطوح معیشتی افراد را از راه تعدیل نابرابری‌های درآمدی و ثروتی، توصیه می‌کند.

انفاق

انفاق در اسلام امری بزرگ، تربیتی و جهت‌گیری الهی و ریشه‌دار است و به همین جهت اسلام مردم را به بخشندگی برمی‌انگیزد. قرآن و احادیث، مردم را به سوی انفاق تشویق کرده و چنان خواسته‌اند که آدمی، بخشندگی و انفاق را جزو اخلاق نیکو و رفتار نشاط‌انگیز خود قرار دهد. این موضوع می‌رساند که اسلام مردم را بر آن وامی‌دارد که اموال و امکانات را از مالکیت‌های انحصاری درآورند و آن‌ها را محبوس نسازند و در راه مصالح جامعه به مصرف برسانند.

از این روست که پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:

«لم یبعث لجمع المال ولكن بعثنا لانفاقه» (طبرسی، ۱۳۷۹: ۳۷۹).

ما (پیامبران) برای جمع‌آوری مال مبعوث نگشتیم، بلکه برای انفاق آن مبعوث شده‌ایم.

معنای انفاق

انفاق مصدر باب افعال از ریشه نفق است به معنای پرداختن بخشی از آنچه خدا به انسان روزی کرده است در راه خدا، چه به عنوان زکات که واجب است و چه به عنوان صدقه که مستحب است. زیرا در قرآن کریم «انفاق» به معنای زکات نیز به کار رفته است (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۳۱۲).

در قاموس قرآن هم این‌طور آمده که انفاق یعنی خرج مال در راه خدا اعم از واجب و

مستحب و از چیزهایی است که قرآن و روایت‌ها درباره آن بسیار تشویق کرده‌اند و آن یکی از اسباب تعدیل ثروت و پر کردن شکاف جامعه‌هاست (قرشی، ۱۳۶۱: ۷، ۹۸).
 به لحاظ اینکه انفاق، خرج کردن و هزینه‌کردن است، پس به نظر می‌رسد با انفاق، مردم با ایمان باید گودال‌های فقر را پرکنند و منافذ خطرهای اقتصادی را از میان بردارند تا جامعه اسلامی گرفتار تکاثر، کثرت‌طلبی و مال‌اندوزی نشود و بحران اقتصادی پدید نیاید (محمودی، ۱۳۸۳: ۲۵).

موردهای مشمول انفاق و حدود آن

در قرآن موردهای متعددی از زمینه‌هایی که می‌توان آنها را در راه خدا انفاق کرد، ذکر شده است. از آن جمله است: انفاق از آنچه خدا روزی انسان‌ها کرده است (بقره (۲)، ۲۵۴)، از چیزهای پاکی که به دست می‌آوریم (همان: ۲۶۷)، از آنچه که خدا برای انسان‌ها از زمین خارج کرده است (همان)، از آنچه خداوند انسان را در آن جانشین قرار داده است (حدید (۵۷)، ۷)، از آنچه که انسان‌ها دوست دارند (آل‌عمران (۳)، ۹۲) و از عفو (بقره (۲)، ۲۱۹).

آنچه که از موردهای پیش‌گفته برای ما مهم است و در مقاله ما کاربرد دارد، مورد آخر یعنی «عفو» است. درباره این واژه، چهار قول وجود دارد:

ا. آنچه از مخارج زن و فرزند زیاد بیاید یا به کلی آنچه که بدان نیازی نباشد؛

ب. حد وسط میان اسراف و سخت‌گیری (اقتار) است (این مورد از امام صادق علیه السلام نقل شده است)؛

ج. آنچه که از خوراک سال زیاد بیاید (این مورد از امام باقر علیه السلام نقل شده است)؛

د. قسمتی از مال که از همه پاکیزه‌تر و بهتر است (طبرسی، ۱۳۵۰: ۲، ۳۰۰).

در واقع باید گفت، عفو به چیزی گفته می‌شود که قصد برگیری و تناول آن آسان باشد و با عنایت‌های کلامی، معانی دیگری را نشان می‌دهد که از آن جمله عفو به معنای مغفرت، حد وسط و نقطه مقابل رنج و زحمت است. همچنین مقصود از آیه می‌تواند «ما یسهل انفاقه» یعنی چیزهایی باشد که انسان با از دست دادن آنها به رنج و زحمت نمی‌افتد ... خلاصه اینکه تمام قول‌ها و معانی پیش‌گفته یک مفهوم را می‌رسانند و آن زاید بر حد کفاف و نیاز شخصی است که به راحتی و بدون تکلف در زحمت واقع شدن می‌توان از آن صرف‌نظر کرد (موسوی‌اصفهانی، ۱۳۷۴: ۵۸۴).

بر این اساس، ما در تحلیل خود عفو را به صورت مازاد بر حد کفاف لحاظ کرده و اثرهای انفاق کردن از آن را با درجات گوناگون، که بستگی به شدت ایمان و تقوای فرد انفاق کننده دارد، بر نابرابری درآمدی تحلیل می‌کنیم.

در این تحلیل انفاق کننده فرد مؤمنی است که برای کسب رضای خدا به انفاق اقدام می‌کند. حدود انفاق نیز برای وی بر طبق آیه ۶۷ سوره فرقان مشخص می‌شود که براساس آن مؤمنان وقتی که انفاق می‌کنند مرتکب اسراف نمی‌شوند و (در انفاق کردن) سخت‌گیری (اقتار) هم نمی‌کنند و میان آن دو، حالت اعتدال را در پیش می‌گیرند.*

منظور از اسراف در انفاق کردن، به این معناست که فرد مؤمن بیش از مازاد بر حد کفاف خود انفاق کند به گونه‌ای که به تأمین مایحتاج خود قادر نباشد و منظور از اقتار هم خست و ورزیدن در انفاق کردن است به گونه‌ای که فرد مؤمن بخیل شمرده شود. بنابراین، ما در تحلیل انفاق مقدار آن را در رابطه‌های ذیل نشان می‌دهیم:

$$E = I - S \quad (۳)$$

$$A = \alpha \cdot E \quad 0 < \alpha \leq 1 \quad (۴)$$

در رابطه‌های پیش گفته، متغیرها و پارامترها به شرح ذیل هستند:

E: مازاد بر حد کفاف

I: درآمد فرد

S: حد کفاف شخص

A: مقدار انفاق

α : پارامتری که بستگی به ایمان و تقوای شخص انفاق کننده و میزان قائل بودن وی به احکام و آموزه‌های دینی دارد، به طوری که معین می‌کند فرد پیش گفته چقدر حاضر است از مازاد بر کفاف خود را در راه خدا انفاق کند. هر چه میزان α بزرگتر باشد، نشان از تقوای بیشتر فرد انفاق گر است. از طرفی $\alpha = 0$ نیست چون در غیر این صورت فرد (در تحلیل ما) مرتکب اقتار شده است و نیز $\alpha > 1$ هم نیست زیرا اگر $\alpha > 1$ باشد فرد مرتکب اسراف در انفاق می‌شود.

* وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (فرقان (۲۵)، ۶۷).

چارچوب نظری اثر انفاق بر نابرابری درآمدها

برای ارائه چارچوب نظری مناسب به منظور تحلیل اثرگذاری انفاق بر نابرابری درآمدی براساس آنچه که نظر اسلام است، فرض‌های ذیل را در نظر می‌گیریم:

۱. جامعه دو فرد دارد: یکی فرد پر درآمد که انفاق‌کننده است (فرد A) و دیگری فرد کم‌درآمد که گیرنده انفاق است (فرد B)؛

۲. حد کفاف زندگی افراد، یکسان است. به عبارت دیگر، افراد جامعه از این حیث همگن هستند. یعنی: $S_A = S_B$ ؛

۳. مطلوبیت فرد A تابعی از درآمد وی و مقدار انفاقی که می‌کند، است و مطلوبیت فرد B

$$U_A = U_A(I_A, A), \quad U_B = U_B(I_B) \text{ یعنی:}$$

۴. درآمد جامعه (\bar{I}) ثابت و برابر با مجموع درآمد لازم برای قرار گرفتن افراد در حد

$$\bar{I} = I_A + I_B = S_A + S_B \text{ یعنی:}$$

۵. تابع رفاه اجتماعی تابعی از درآمد دو فرد است و این تابع اکیداً شبه مقعر و متقارن است؛

۶. انفاق بدون هزینه انجام می‌گیرد.

براساس فرض‌های پیش‌گفته، اثر انفاق بر نابرابری درآمدها را در دو حالت مورد تحلیل

قرار می‌دهیم:

$$A. \alpha = 1$$

در این حالت، فرد انفاق‌کننده (فرد A) درجه کاملی از ایمان و تقوا دارد به‌گونه‌ای که حاضر است برای رضای خدا تمام درآمد مازاد بر حد کفاف خود را انفاق کند. در توزیع اولیه درآمد، فرد A به میزان I_A^0 درآمد دارد به‌طوری که $I_A^0 > S_A$ و فرد B به میزان I_B^0 درآمد دارد به‌گونه‌ای که $I_B^0 < S_B$. لذا فرد B به تأمین حد کفاف زندگی خود قادر نیست و نیازمند تلقی می‌شود. از این‌رو با استفاده از رابطه‌های (۳) و (۴) خواهیم داشت:

$$E_A^0 = I_A^0 - S_A$$

$$E_B^0 = I_B^0 - S_B$$

و چون $\alpha = 1$ است:

$$A = E_A^0$$

طبق فرض (۴) داریم:

$$I_A^{\circ} + I_B^{\circ} = S_A + S_B$$

$$I_A^{\circ} - S_A = -(I_B^{\circ} - S_B) \Rightarrow E_A^{\circ} = -E_B^{\circ} \quad (5)$$

رابطه (۵) همواره برقرار است و نشان می‌دهد که هر میزان فرد A مازاد بر کفاف خود درآمد داشته باشد، به همان میزان فرد B کسری دارد.

اکنون، نشان می‌دهیم که درآمد دو فرد بعد از انفاق (I_A^1, I_B^1) چه وضعیتی نسبت به هم خواهند داشت. از برابر بودن حد کفاف دو فرد (فرض ۲) خواهیم داشت:

$$I_A^{\circ} - E_A^{\circ} = I_B^{\circ} - E_B^{\circ} \quad (6)$$

و چون $A = E_A^{\circ}$ است، بنابراین:

$$I_A^1 = I_A^{\circ} - E_A^{\circ} \quad (7)$$

چون به میزان E_A° از درآمد فرد A کاسته شده است و نیز داریم:

$$I_B^1 = I_B^{\circ} + E_A^{\circ} \quad (8)$$

چون به میزان E_A° به درآمد فرد B اضافه شده است.

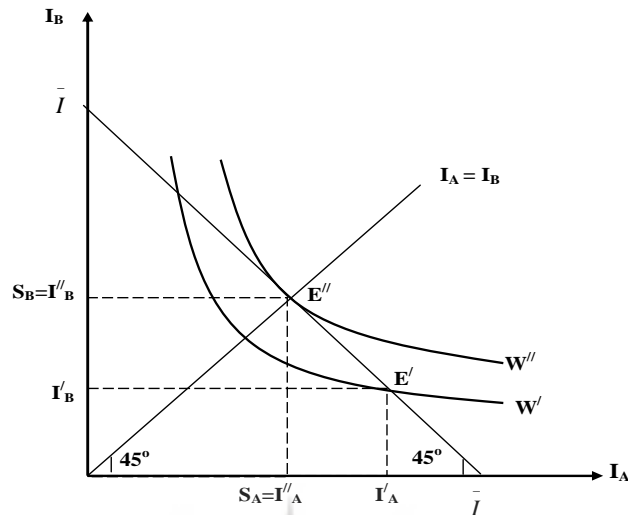
حال اگر I_A°, I_B° از رابطه‌های (۷) و (۸) را در رابطه (۶) جایگذاری کنیم، داریم:

$$I_A^1 + E_A^{\circ} - E_A^{\circ} = I_B^1 - E_A^{\circ} - E_B^{\circ}$$

و بر طبق رابطه (۵) خواهیم داشت:

$$I_A^1 = I_B^1$$

یعنی بعد از صورت پذیرفتن انفاق، درآمد دو فرد برابر می‌شود و نابرابری درآمدی به کلی از بین می‌رود. این تحول‌ها در شکل ذیل ترسیم می‌شود.



شکل (۳): انفاق و نابرابری درآمدها در حالت $\alpha = 1$

در شکل (۳) نقطه E' ، توزیع درآمد اولیه را نشان می‌دهد که در این نقطه منحنی رفاه یکسان W' قید امکانات درآمدی را قطع کرده است. با انفاق کردن، بخشی از درآمد فرد A که برابر با تمام درآمد مازاد بر حد کفاف وی است به فرد B منتقل می‌شود و سرانجام توزیع درآمد در نقطه E'' صورت خواهد پذیرفت و در این بین رفاه اجتماعی نیز به حداکثر میزان خود با توجه به درآمد موجود در جامعه می‌رسد.

$$\text{ب. } \alpha = \frac{1}{2}$$

در این حالت، فرد انفاق‌کننده نسبت به حالت پیش تقوای ضعیف‌تری دارد به طوری که فقط حاضر است نیمی از درآمد مازاد بر حد کفاف خود را انفاق کند. نتیجه‌های این انفاق فرد A در ذیل بررسی می‌شود. $\alpha = \frac{1}{2} E_A^\circ$

$$I'_A = I_A^\circ - A = I_A^\circ - \frac{1}{2} E_A^\circ \quad (9)$$

$$I'_B = I_B^\circ + A = I_B^\circ + \frac{1}{2} E_A^\circ \quad (10)$$

از طرفی $S_A = S_B$ است و بنابراین:

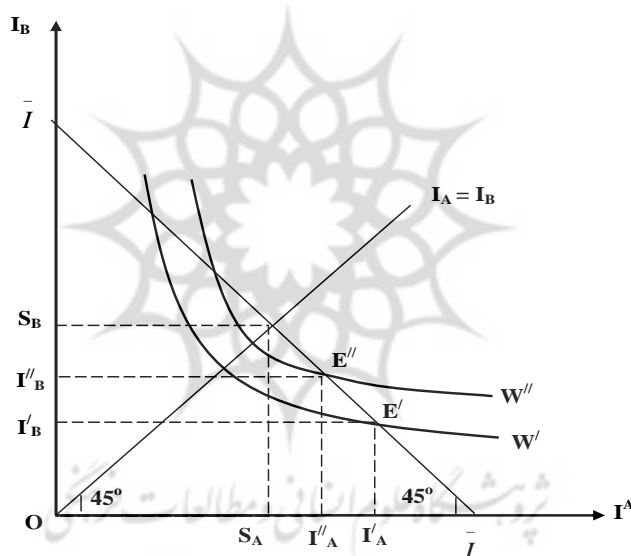
$$I'_A - E_A^\circ = I'_B - E_B^\circ \quad (11)$$

با جایگذاری I_B^0, I_A^0 از رابطه‌های (۹) و (۱۰) در رابطه (۱۱) خواهیم داشت:

$$I_A^1 + \frac{1}{\alpha} E_A^0 - E_A^0 = I_B^1 - \frac{1}{\alpha} E_A^0 - E_B^0$$

$$I_A^1 = I_B^1 - E_B^0$$

از آنجا که فرد B در توزیع درآمد اولیه U کمتر از حد کفاف خود درآمد داشته است بنابراین $E_B^0 < 0$ است. در نتیجه پس از صورت پذیرفتن انفاق U درآمد فرد A بیش از درآمد فرد B خواهد بود. این تحولات را به همراه تغییرهای سطح رفاه اجتماعی می‌توان در شکل ذیل نمایش داد:



شکل (۴): انفاق و نابرابری درآمدها در حالت $\alpha = \frac{1}{\alpha}$

مانند پیش از توزیع درآمد اولیه در نقطه E' انجام می‌گیرد و سطح رفاه اجتماعی حاصل از آن در سطح W' است. فرد A نیمی از درآمد مازاد خود را به فرد B انفاق می‌کند و رفاه اجتماعی به دنبال آن افزایش می‌یابد. ملاحظه می‌شود که نابرابری درآمدی کاهش یافته اما نه به آن میزان که نابرابری به‌طور کامل از بین برود و این فقط به‌علت تقوای ضعیف‌تر فرد انفاق‌کننده است.

در توجیه این مطلب که چرا نخست رفاه اجتماعی حداکثر شد و در حالت دوم این گونه نشده است باید گفت: برای فرد انفاق‌کننده، در آنجا که درآمد وی کمتر از حد کفافش باشد انفاق کردن مطلوبیت ندارد؛ بنابراین هرچه فرد A تا رسیدن به خط تساوی توزیع ($I_A = I_B$) انفاق می‌کند برای وی مطلوبیت دارد. وقتی $\alpha = 1$ است، فرد A تمام مطلوبیت ممکن از بابت انفاق کردن را کسب می‌کند اما در آنجا که $\alpha < 1$ است وی می‌تواند با انفاق کردن باز هم کسب مطلوبیت کند، اما چون این کار را نمی‌کند در نتیجه در حالت $\alpha < 1$ رفاه اجتماعی حداکثر نمی‌شود.

نتایج

در این قسمت می‌کوشیم تا با استفاده از تخمین الگوهای رگرسیونی و بررسی نتیجه‌های آن، فرضیه مطرح شده را آزمون کنیم.

متغیرهای وابسته معادله‌های رگرسیونی مورد نظر ما، ضریب جینی (Gini Coefficient, G)، نسبت دهک (Decile) دهم درآمدی (ثروتمندترین) به دهک نخست درآمدی (فقرترین) که با علامت اختصاری DE نشان داده می‌شود و نسبت بیست درصد (Quintile) بالای درآمدی (ثروتمندترین) به بیست درصد پایین درآمدی (فقرترین) با علامت Q هستند.

متغیرهای توضیحی ما عبارتند از: انفاق سرانه (AL) که نسبت مجموع درآمدهای اختصاصی* کمیته امداد امام خمینی^{۱۱} و کمک‌های مردمی اعطاشده به کل جمعیت را تشکیل می‌دهد، تورم و بیکاری با وقفه یک‌ساله. متغیرهای تورم و بیکاری را به تبعیت از نیلی و فرح‌بخش (۱۳۷۷) و بسیاری از مطالعه‌های دیگر انجام شده در این باره انتخاب کرده‌ایم. البته در مطالعه‌های گوناگون از وقفه‌های بیش از یک سال، به‌ویژه برای تورم نیز استفاده شده است اما در مطالعه نیلی و فرح‌بخش (۱۳۷۷) وقفه یک‌ساله به کار گرفته شده است و متغیر تورم به صورت لگاریتمی وارد معادله‌ها شده است.**

* درآمد اختصاصی به کلیه درآمدهای کمیته امداد مانند کمک‌های مردمی، درآمدهای محلی، وجوهات شرعی و امانی، کمک‌های مؤسسه‌ها و سازمان‌ها، کمک‌های خیریه و کارخانه‌ها، درآمدهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی به جز اعتبارات و بودجه‌های دولتی اطلاق می‌شود.
** داده‌ها در قسمت پیوست ارائه شده‌اند.

بر این اساس الگوی رگرسیونی ذیل را ارائه می‌کنیم:

$$I_t = \beta_0 + \beta_1 AL_t + \beta_2 \text{Log}(INF_{t-1}) + \beta_3 UNEMP_{t-1} + U_t \quad (12)$$

که در آن I شاخص نابرابری، U جزء اخلاص و t اندیس زمان هستند. دوره در نظر گرفته شده برای تخمین معادله پیش‌گفته، ۱۳۸۵-۱۳۶۳ است. معادله رگرسیونی خود را با روش OLS تخمین زده‌ایم که نتیجه‌های آن در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: برآورد تأثیر انفاق بر نابرابری درآمدها به روش OLS

متغیرهای مستقل	معادله‌ها			
	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)
جزء ثابت	۰/۴۹ (۰/۰۰۰۰)	۳۳/۶ (۰/۰۰۰۰)	۱۳/۲ (۰/۰۰۰۰)	۱۰/۷ (۰/۰۰۰۰)
انفاق	-۰/۰۰۰۰۰۲۴ (۰/۰۰۰۰)	-۰/۰۰۰۰۲۴ (۰/۰۰۰۰۲)	-۰/۰۰۰۰۰۹۱ (۰/۰۰۰۰۶)	-۰/۰۰۰۰۰۸۹ (۰/۰۰۰۱۶)
تورم	-۰/۰۱۹ (۰/۰۰۹)	-۴/۰۴ (۰/۰۰۴)	-۰/۰۹۹ (۰/۰۲۹)	-۰/۰۳۲ (۰/۰۲۸)
بیکاری	۰/۰۰۰۰۴ (۰/۰۴۸)	۰/۰۰۸۲ (۰/۰۶۲)	۰/۰۰۵۳ (۰/۰۲۱)	۰/۰۰۷۵ (۰/۰۵۱)
حجم نمونه	۲۰	۲۳	۲۳	۲۳
R ^۲ آماره دوربین - واتسون	۰/۷۰ ۲/۳۴	۰/۵۹ ۱/۹۷	۰/۶۷ ۱/۶۴	۰/۶۰ ۱/۷۹

اعداد داخل پرانتز آماره‌های P-Value هستند که حداقل سطح معناداری را نشان می‌دهند. در ستون‌های (۱)، (۲) و (۳) متغیرهای وابسته به ترتیب عبارتند از: ضریب جینی، نسبت ۱۰ درصد بالای درآمدی به ۱۰ درصد پایین درآمدی و نسبت ۲۰ درصد بالای درآمدی به ۲۰ درصد پایین درآمدی به گونه‌ای که در این سه معادله، متغیر تورم به صورت لگاریتمی است. در ستون (۴)، متغیر وابسته نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین است اما متغیر تورم در آن به صورت غیرلگاریتمی به کار رفته است.

رگرسیون‌های برآورد شده براساس آزمون دوربین - واتسون و نمودارهای خود همبستگی (AC) و خود همبستگی جزئی (PAC) هیچ‌گونه خود همبستگی ندارند و انحراف معیارها و کوواریانس‌های آنها نیز به روش Newey-West HAC به‌دست آمده‌اند. نتیجه‌های آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته (ADF) دلالت بر این داشت که متغیرها در رگرسیون‌های ارائه‌شده در سطح معناداری یک درصد ویژگی هم انباشتگی داشته؛ بنابراین با رگرسیون کاذب روبه‌رو نیستیم. با توجه به نتیجه‌های به‌دست آمده، می‌توان رگرسیون‌ها را مورد تفسیر قرار داد.

عامل انفاق تأثیر منفی بر نابرابری درآمدها دارد، بدین معنا که افزایش انفاق سرانه، کاهش نابرابری را در پی دارد و این مطلب از علامت منفی ضریب‌های متغیر انفاق در همه معادله‌ها و معنادار بودن آنها در سطح معناداری یک درصد به‌دست می‌آید. آنچه که درباره این متغیر مشخص است این است که تأثیر آن بر نسبت ۱۰ درصد بالا به ۱۰ درصد پایین بزرگ‌تر از تأثیر آن بر دو متغیر وابسته دیگر است اما در مجموع تأثیر این متغیر کوچک و ناچیز است.*

متغیر تورم در سه رگرسیون نخست ضریب معنادار داشته و علامت منفی نیز دارد که نشان می‌دهد در دوره مدنظر، تورم از سطح نابرابری درآمدها کاسته است. این نتیجه با نتیجه‌های نیلی و فرح‌بخش (۱۳۷۷) ناسازگاری دارد.

متغیر بیکاری فقط بر نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین تأثیر معناداری دارد و آن هم وقتی است که متغیر تورم را به‌صورت غیرلگاریتمی در نظر می‌گیریم که این نتیجه در ستون (۴) ارائه شده است.

براساس یافته‌های پیشین، ما فرضیه خود را می‌پذیریم بدین معنا که انفاق از راه کمیته امداد امام خمینی علیه‌السلام، توانسته است نابرابری درآمدها را در ایران کاهش دهد اما این تأثیر بر ضریب جینی بسیار کوچکتر از اثر انفاق بر دو شاخص دیگر نابرابری درآمدهاست.

* ما فقط از داده‌های مربوط به کمیته امداد استفاده کرده‌ایم. اگر کل انفاق صورت گرفته در جامعه قابل دستیابی بود و مورد استفاده واقع می‌شد، تأثیر انفاق بر نابرابری بزرگتر از آنچه که ما به‌دست آورده‌ایم می‌شد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

براساس تحلیل‌های نظری و یافته‌های تجربی در مقاله، به این نتیجه رسیدیم که انفاق کردن نقش قابل توجهی در کاهش نابرابری درآمدها دارد و این تأثیر با بیشتر بودن شدت ایمان و تعهد افراد مؤمن، تقویت نیز می‌شود. چرا که هر چه پایبندی مؤمنان به اصول عقاید خود قوی‌تر باشد، آنها بیشتر به انفاق کردن از درآمد مازاد بر حد کفاف مبادرت می‌ورزند. نتیجه‌های تجربی برای ایران در دوره ۱۳۸۵-۱۳۶۳ نیز نشان می‌دهد که انفاق توانسته است ضریب جینی و نسبت ۱۰ درصد بالای درآمدی به ۱۰ درصد پایین درآمدی و نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین درآمدی را به طرز معناداری کاهش دهد اما در کل میزان این تأثیرگذاری کوچک است.



منابع و مأخذ

أ. فارسی

۱. ابونوری، اسماعیل، ۱۳۷۶ش، «اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۵۱.
۲. خرمشاهی، بهاء‌الدین، ۱۳۷۷ش، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، ۱، تهران: انتشارات دوستان.
۳. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۰ش، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات سمت.
۴. راجرز، دانیل سی. و هرش، اس. راجلین، ۱۳۷۰ش، اقتصاد آموزش و پرورش: اصول و کاربردها، ترجمه سیدابوالقاسم حسینیون، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
۵. ژید؛ شارل و شارل ریست، ۱۳۷۰ش، تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه کریم سنجابی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۲ش، حساب‌های ملی ایران: ۱۰-۱۳۷۰، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۷. شهید اول، مجید، ۱۳۸۲ش، ارزیابی و بررسی تورم و نابرابری درآمدها در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۸. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، ۱۳۵۰ش، مجمع البیان، ترجمه شیخ حسین نوری و محمد مفتاح، قم: مؤسسه انتشارات فراهانی.
۹. طبرسی، حسن بن، فضل بن حسن طبرسی، ۱۳۷۹ش، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ترجمه عبدالله محمدی و مهدی هوشمند، قم: انتشارات دارالتقلین.
۱۰. علی‌زاده، حسن، ۱۳۷۷ش، فرهنگ خاص علوم سیاسی، تهران: انتشارات روزنه.
۱۱. قرشی، سیدعلی‌اکبر، ۱۳۶۱ش، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب اسلامیه.
۱۲. کمیته امداد امام خمینی علیه السلام، گزارش آماری کمیته امداد امام خمینی علیه السلام سال‌های ۱۵ - ۱۳۶۳، تهران: بی‌نا.

۱۳. لیارد، پی. آر. جی و ا. ا. والترز، ۱۳۷۷ش، *تئوری اقتصاد خرد*، ترجمه عباس شاکری، تهران: نشر نی.
۱۴. محمودی، عباس علی، ۱۳۸۳ش، *انفاق کلید اقتصاد*، تهران: انتشارات فیض کاشانی.
۱۵. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶ش، *نتایج طرح آمارگیری از نیروی کار*، تهران: بی نا.
۱۶. مرکز آمار ایران، *نتایج آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی، سالهای ۱۳۸۳ - ۱۳۸۵*، تهران: بی نا.
۱۷. موسوی اصفهانی، سیدجمال الدین، ۱۳۷۴ش، *پیامهای اقتصادی قرآن*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. نظری، حسن آقا و گیلک حکیم آبادی، محمد تقی، ۱۳۸۲ش، *نگرش علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی*، تهران: پژوهشکده امور اقتصادی.
۱۹. نیلی، مسعود و فرح بخش، علی، ۱۳۷۷ش، «ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد»، *مجله برنامه و بودجه*، سال سوم، ش ۱۰ و ۱۱.

ب. انگلیسی

1. Jehle; Geoffrey A. 1994, "Zakat and Inequality: Some Evidence From Pakistan", *Review of Income and Wealth*, Vol.40, Issue 2.
2. Schwartz; Robert A. 1970, "Personal Philanthropic Contributions", *Journal of political Economy*, Vol.78, Issue 6.
3. World Development Indicators (WDI), CD, 2007.

پیوست: داده‌ها

سال	ضریب جینی	نسبت ۱۰٪ بالا به ۱۰٪ پایین*	نسبت ۲۰٪ بالا به ۲۰٪ پایین*	انفاق سرانه** (ریال)	نرخ تورم*** (درصد)	نرخ بیکاری**** (درصد)
۱۳۶۲	---	---	---	---	۱۹/۷	۱۲/۷
۱۳۶۳	۰/۴۵۳	۲۲/۶	۱۱/۲	۲۴/۸۷۴۹	۱۲/۵۴	۱۳
۱۳۶۴	۰/۴۵۲	۲۲/۸	۱۱/۴	۳۹/۷۱۳۹	۴/۳۸	۱۳/۶
۱۳۶۵	۰/۴۶۶	۲۹/۸	۱۲/۴	۵۴/۶۹۹۹	۱۸/۴۲	۱۴/۱
۱۳۶۶	۰/۴۴۶	۲۱/۴	۱۰/۸	۷۹/۱۹۷۱	۲۸/۵۷	۱۳
۱۳۶۷	۰/۴۳۸	۲۲/۲	۱۰/۹	۱۶۰/۵۵۵۵	۲۸/۶۷	۱۵/۸
۱۳۶۸	۰/۴۳۷	۲۳/۲	۱۱/۱	۲۶۵/۳۱۵۶	۲۲/۳۴	۱۵/۸
۱۳۶۹	۰/۴۲۸	۲۳/۷	۱۱	۵۰۶/۸۳۵۴	۷/۶۲	۱۵/۱
۱۳۷۰	۰/۴۸۶	۲۳/۵	۱۴/۲	۵۵۶/۶۵۸۸	۱۷/۱۲	۱۱/۴
۱۳۷۱	۰/۴۳۵	۲۳/۲	۱۱/۱	۶۱۷/۱۳۶۹	۲۵/۸	۹/۷
۱۳۷۲	۰/۴۲۵	۲۲/۱	۱۰/۵	۷۸۲/۰۷۵۹	۲۱/۲	۶/۵
۱۳۷۳	۰/۴۲۴	۱۹/۹	۹/۹	۱۰۷۳/۹۰۳	۳۱/۴۴	۴/۷
۱۳۷۴	۰/۴۲۷	۲۰/۵	۱۰/۲	۱۷۰۸/۳۶۲	۴۹/۶۵	۵/۱
۱۳۷۵	۰/۴۳	۲۰/۳	۱۰/۲	۲۴۰۱/۳۵۱	۲۸/۹۳	۹/۱
۱۳۷۶	۰/۴۲	۱۹	۹/۷	۲۸۲۹/۰۸۱	۱۷/۳۴	۱۳/۱
۱۳۷۷	۰/۴۳	۲۱/۲	۱۰/۵	۳۳۶۹/۰۷۵	۱۷/۸۶	۱۲/۵
۱۳۷۸	۰/۴۲	۱۹/۴	۹/۹	۵۴۵۹/۱۳۲	۲۰/۰۷	۱۳/۵
۱۳۷۹	۰/۴۳	۲۰/۱	۱۰/۱	۶۵۵۸/۳۸۲	۱۴/۴۷	۱۴/۳
۱۳۸۰	۰/۴۲۵	۱۹/۴	۹/۹	۷۵۴۵/۸۳۱	۱۱/۲۷	۱۴/۲
۱۳۸۱	۰/۴۲	۱۸/۸	۹/۶	۱۰۸۷۱/۶۷	۱۴/۳۳	۱۲/۸
۱۳۸۲	۰/۴۱	۱۵/۷	۸/۴	۱۹۰۷۴/۶۸	۱۶/۴۶	۱۱/۸
۱۳۸۳	NA	۲۳/۸	۹/۴۴	۱۷۶۹۷/۱	۱۴/۷۶	۱۰/۳
۱۳۸۴	NA	۱۵/۸۱	۸/۲۶	۱۹۱۲۱/۷۵	۱۳/۴۳	۱۱/۵
۱۳۸۵	NA	۱۴/۵۵	۸/۰۴	۴۸۵۵۰/۶۹	۱۳/۶۲	۱۱/۲

* سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، و مرکز آمار ایران (نتیجه‌های طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی).
 ** آمار انفاق از کمیته امداد امام خمینی* و آمار جمعیت از (۲۰۰۷) WDI.
 *** (۲۰۰۷) WDI.
 **** از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۵ از مطالعه نیلی و فرح‌بخش (۱۳۷۷) و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ از مرکز آمار ایران (نتیجه‌های طرح آمارگیری از نیروی کار).